

فصل دوم

نثر فارسی

طبقه‌بندی آثار منشور فارسی از مهمترین و پیچیده‌ترین مباحث تاریخ ادبیات است. پیچیدگی این موضوع بدان سبب است که در شکل‌گیری هر اثر عوامل متعدد و متنوعی نقش داشته‌اند. بدیهی است در طبقه‌بندی و تحلیل این آثار باید به مجموعه‌ای از عوامل توجه کرد. این موضوع ارائه طرحی که بتواند به صورت جامع و کامل همه آثار منشور فارسی را دربر گیرد دشوار ساخته است. طرحهایی که تاکنون برای دسته‌بندی نثر فارسی ارائه شده مبتنی بر چند شاخص است: دوره‌های تاریخی، موضوع و محتوا، صورت و فرم. در این طرحها گاه یکی از این شاخصها مبنای طبقه‌بندی قرار گرفته و گاه تلفیقی از آنها.

طرحهایی که مبتنی بر یک شاخص ارائه شده جامع نیست و به طور کامل همه آثار منشور را دربر نگرفته است. آن دسته از طرحهایی نیز که با تلفیق چند شاخص شکل گرفته‌اند انسجام ندارند و مبتنی بر یک مبنای نظری نیستند. بدین سبب نتایج این طرحها برای طبقه‌بندی متون منشور پراکنده است و گاه در این طبقه‌بندیها تداخل دیده می‌شود.

در طرحی که برای طبقه‌بندی آثار منشور فارسی در این کتاب ارائه می‌شود به هر سه شاخص توجه شده است:

اولاً آثار منشور فارسی در یک دوره تاریخی از سال ۴۳۲ هـ. تا زمان حمله مغول بررسی می‌شود. ثانیاً برای طبقه‌بندی این آثار هم به موضوع و محتوا توجه شده و هم به صورت و فرم. توجه به این دو شاخص بر یک مبنای نظری استوار است: مؤلف هر اثر تا چه اندازه به شیوه بیان و صورت توجه کرده و تا چه حد انتقال موضوع و محتوای اثر برای او اهمیت داشته است؟ به دیگر سخن آیا دغدغه اصلی مؤلف صورنگرایی و توجه به شیوه بیان بوده یا آن که به تعلیم و انتقال موضوع و محتوا